

۱۵۵۳۱۹۸

بسم الله الرحمن الرحيم

معماری نوین

تأليف : لوکوربوزیه
ترجمه : مجتبی دولتخواه



انتشارات مارلیک

لو کوریوزیه، ۱۸۸۷ - ۱۹۶۵م. Le Corbusier	:	سرشناسه
معماری نوین / تالیف لو کوریوزیه؛ ترجمه مجتبی دولتخواه.	:	عنوان و نام پدیدآور
تهران: مارلیک، ۱۳۹۶.	:	مشخصات نشر
ص: ۲۲۴ مصور.	:	مشخصات ظاهری
۶۷-۶-۵۲۸۴-۶۰۰-۹۷۸	:	شابک
فیفا	:	وضعیت فهرست نویسی
عنوان اصلی: Le Corbusier	:	یادداشت
کتاب حاضر از متن انگلیسی تحت عنوان «Towards a new	:	یادداشت
architecture» به فارسی ترجمه شده است.	:	
معماری	:	موضوع
Architecture	:	موضوع
کارکردگرایی (معماری)	:	موضوع
(Functionalism (Architecture	:	موضوع
دولتخواه، مجتبی، ۱۳۴۱ - مترجم	:	شناخت افزوده
۱۳۹۶م ۹م / ۵۲۰ NA۲۵۲۰	:	ه بندی کنگره
۷۲۰	:	رده بندی دی
۴۹۷۵۱۸۶	:	شماره کتشناسی

انتشارات مارلیک
MARLIKART.IR

نام کتاب : معماری نوین

ناشر: انتشارات مارلیک

نویسنده : لوکوریوزیه

مترجم : مجتبی دولتخواه

شمارگان : ۵۰۰ جلد

نوبت چاپ : اول / ۱۳۹۶

قیمت : ۲۸۰۰۰ تومان

شابک : ۶۷-۶-۵۲۸۴-۶۰۰-۹۷۸

انتشارات مارلیک تلفن ۹۸۷۷۰۹۶۴۰

کلیه حقوق این اثر محفوظ است و هرگونه برداشت از متن این اثر و طرح روی جلد پیگرد قانونی دارد

فهرست

عنوان	صفحه
پیشگفتار	۵
زیبایی شناسی و معماری برای مهندسان	۱۰
سه جبر مهم برای معماران	۱۵
۱- توده	۱۵
۲- سطح	۲۰
۳- پلان	۲۳
تنظیم خطوط	۴۰
چشمانی که نمی بینند	۵۴
۱- خطی ها	۵۴
۲- هواپیما	۶۸
۳- خودروها	۸۶
معماری	۱۰۱
۱- درس دوم	۱۰۱
۲- ابهام در پلان	۱۲۳
۳- آفرینش ناب ذهن	۱۴۰
انبوه سازی خانه ها	۱۶۲

هو الخالق

از اولین روزهایی که آدم پای بر زمین نهاد ، بر این اندیشه بود که خانه ای بسازد و با خانواده در آن مأوا گیرد. گویا کلمات خانه و خانواده از یک ریشه اند چرا که نگهداری یک خانواده بدون یک سرپناه امری نامأنوس است. از آنجا که یک اجتماع از تعدادی خانواده به وجود می آید ، وجود خانه هایی بعنوان سرپناه برای حفظ اجتماعات انسانی ضروری است.

نویسند این کتاب ، یک معمار انقلابی است که سعی می کند راه چاره هایی برای آوارگی و بی خانمانی انسانهای دوران خود که در قیاس با آنچه در دوران ما وجود دارد ، کمتر است ارائه دهد.

لوکوربوزیه به مساران دوران خود خرده های فراوانی می گیرد و آنها را فاقد حس انساندوستی می داند. او از انسانهای ماشینی معاصر خود نیز ناخرسند است که چرا آنها خنایایی خود یعنی عمر را به اربابان صنعت و سرمایه به رایگان فروخته اند. لوکوربوزیه یک انقلابی ناموفق است. او با همه تلاش هایی که کرد ، سرانجام نتوانست از به وجود آمدن حلبی آبادهای اطراف پاریس جلوگیری کند. او نتوانست در پاریس و دیگر نقاط دنیا یک مدینه فاضله به وجود آورد. اما از آثار و نوشته های این معمار بزرگ ، یک نکته آشکار است : او انساندوست است. کارهای او در نوع خود هماهنگ هستند. این کتاب ، بیش از کتابهای دیگر او ، او را معرفی می کند و به این وسیله هم می توان به طرز فکر او پی برد و هم می توان نظریات انقلابی او را در معماری مطالعه کرد. این کتاب ، یکی از کتابهایی است که بنده (مترجم کتاب) از ترجمه آن لذت بردم و خواندن این کتاب را به اساتید و دانشجویان معماری و شهرسازی و همچنین به همه شهرنشینان توصیه می کنم.

با احترام

مجتبی دولتخواه "زمستان ۱۳۸۳"

پیشگفتار

زیبایی شناسی و معماری برای مهندسان

زیبایی و معماری دو مقوله‌اند که هم‌سو با هم در حرکتند و هریک از دل دیگری زاده می‌شود: یکی از آن دو در اوج عزت خود و آن دیگری در نهایت دون پایگی و فقهراست. مهندسی که تحت تحکم قوانین اقتصاد و مغلوب محاسبات ریاضی است، ما را با قوانین جهانی هم‌سو می‌کند. این هم‌سو به هارمونی رسیده است.

یک معمار با مرتب کردن آرام‌ها، نظم می‌دهد که آفریده ناب روح اوست. توسط اشکال و فورم‌ها احساس ما را تا حد تردید فقط تحت تأثیر قرار می‌دهد و درونیات موج ما را به انگیزش می‌آورد. با خلق روابطی موزون، پژواک‌ها را گام‌ها درون ما را بیدار می‌کند. پیمان‌های از دریای نظم به ما می‌نوشاند تا جنبشی در دل و دماغ ما بیاورد. این همان است که ما بعنوان حس زیبایی تجربه می‌کنیم.

سه چیز مهم برای معماران

توده

چشم ما آن‌گونه ساخته شده است که ما را قادر به دیدن فورم‌ها در نور می‌کند. فورم‌های اولیه، فورم‌های زیبایی هستند، زیرا درک آنها آسان است. معمار سارگشته از بی‌بازی با فورم‌های ساده کاری ندارد. مهندسان که ابزارشان محاسبه است، فورم‌های هندسی را بکار می‌گیرند. چشمان ما را با هندسه خشنود و درک ما را با ریاضیات خرسند سازند. کار آنها هم‌سو با هنر ناب است.

سطح

یک توده بر روی یک سطح جای دارد، سطحی که خطوط اصلی یک توده را شکل می‌دهد. این سطح است که به توده معنا می‌دهد. معمار امروزی دل نگران شکل دهنده‌های هندسی سطح است. مسائل بزرگ ساختمان سازی مدرن باید یک راه حل هندسی داشته باشد. مهندسان بر آن هستند تا با توسل به خطوط مرتبط با فورم، نیازهای مبرم را برآورند. آنها حقایقی زلال و واقعیاتی تجسمی و متحرک می‌آفرینند.

پلان

پلان مانند یک مولد عمل می‌کند. شما، بدون یک پلان فاقد نظم و تعمد خواهید بود. پلان به خودی خود، دارندهٔ جوهرهٔ حس در خود است. مسائل بزرگ امروزی که از نیازمندی‌های دامنه دار امروزیان سرچشمه می‌گیرد، پلان را در شکل جدیدی می‌طلبد، زندگی مدرن امروزی خواستار و در انتظار نوع جدیدی از پلان هم برای خانه و هم برای شهر است.

تنظیم خطوط

عنصری اجتناب ناپذیر از معماری

خطوط نظم فضامانی در برابر خودسری و تعمد هستند. از نیازمندی‌های نظم است و درک ما را خشنود می‌سازد. خطوط منظم وسیله‌ای به سوی هدف هستند و با قانونمندی خود از اجزای لاینفک آفرینش معماری محسوب می‌شوند.

چشمانی که نمی‌بینند

خطی‌ها

فصلی بزرگ آغاز شده است.

روحی جدید موجودیت یافته است.

توده‌ای از کار در قالب روحی جدید قابل درک است که باید با تولید صنعتی جوابگوی آن بود. معماری توسط آداب و سنن پایمال شده است. «سبک» دروغ است. سبک، وحدتی از اصل است که به امور یک عصر جدید جان می‌دهد و نتیجهٔ حالتی از ذهر است که شخصیت خاص خود را دارد. عصر ما روز به روز، سبک خود را تعیین می‌کند. متأسفانه، چشمان ما مأمور قمار به شک آن نیست.

هواپیماها

هواپیما محصول انتخاب دقیق است. درس هواپیما در منطقی نهفته است که در حالت مسئله و یادآوری آن حاکم بود. مسئله خانه هنوز بیان نشده است، اگرچه استانداردهایی برای خانه‌های مسکونی وجود دارد. ماشین آلات در درون خود عاملی به نام اقتصاد دارند که قابل انتخاب است. خانه هم ماشینی است برای زندگی کردن.

خودروها

ما باید چشم بر آن داشته باشیم که استانداردهایی را برای روبرو شدن با کمال بنا نهیم. پارتئون محصول انتخابی است که استاندارد در آن پکار رفته است.

معماری همسو با استانداردها عمل می‌کند.

استاندارد از ارکان منطق، تجزیه و تحلیل و مطالعه دقیق است.

استانداردها براساس مسئله‌ای بنا شده‌اند که آن را درست بیان کرده‌اند.

بنیان استاندارد کاملاً بر آزمایش نهاده شده است.

معماری

درس دوم

حرفه معماری به معنی «بناکردن روابط احساسی به واسطه مواد خام» است.

معماری به فرای تجمعات و سودگرایی سفر می‌کند. معماری، چیزی تجسمی است. روح نظم است و وحدت قصه. معماری با کمیات سر و کار دارد. تمایل، می‌تواند از یک سنگ بی‌جان یک درام گویا بیرون آورد و آن را بشناسد.

خطای دید در پلان

پلان از درون به بیرون سیر می‌کند؛ بیرون یا نما، نتیجه اندرون است. عناصر معماری نور و سایه از یک طرف و دیوار و فضا از طرف دیگر است. ترتیب به معنی درجه بندی اهداف و طبقه بندی مقاصد است. انسان با چشمانی که ۱۶۰ سانتیمتر از زمین صاف دارند به آفرینش معماری می‌نگرد. شخص فقط می‌تواند به اهدافی که چشم تعقیب می‌کند، یا عناصری که به حساب معماری گذاشته می‌شود، توجه کند. اگر اهداف دیگری پا به میان بگذارند و با زبان معمار سخن نگویند، آنگاه در عرصه‌ای پا می‌گذارید بنام خطای دید، هرگاه خطای دید در پلان رخ دهد، شما بار از ترانه پلان به واسطه خطای درک، فراتر نهاده‌اید.

آفرینش ناب ذهن

طرح و پروفیل، معیار معمار هستند. در اینجاست که او خود را بعنوان یک سرمنا ظاهر می‌کند و یا در قالب یک مهندس محض. طرح باید آزادانه داده شود نه در اضطرار. دیگر اینجانه هیچ چون و چرایی از سنت‌ها و رسوم و نه از ساختمان و انطباق احتیاجات تجملی وجود دارد. طرح و پروفیل، آفرینش ناب ذهن هستند. آنها به دنبال یک هنرمند خیال‌پرداز تجسمی هستند.

مجتمع سازی

فصلی بزرگ آغاز شده است.

روحنی جدید موجودیت یافته است.

صنعت همانند رودی در بستر مقدرات جریان دارد. اگرچه بر ما حکمفرمایی می‌کند، اما ما را به ابزاری آراسته است که بتوانیم خود را با این عصر جدید تطبیق دهیم. عصر جدید، روحی نوین در کالبد ما دمیده است.

قوانین اقتصادی به طرزی اجتناب‌ناپذیر بر افکار و اعمال ما چیره شده‌اند.

مسئله خانه، مسئله عصر ماست. موازنه جامعه امروز ما به آن بستگی دارد. معماری، به عنوان اولین وظیفه خود مکلف است که بر ارزش‌ها و عناصر شکل دهنده خانه بازنگری کند. تولید انبوه مبنی بر تجزیه و تحلیل و آزمایش بنا می‌گردد. صنعت در مقیاس وسیع باید خود را به ساخت خانه و بنیانگذاری عناصر خانه‌سازی به صورت انبوه مکلف کند.

ما باید روح تولید انبوه خلق کنیم، روحیه ساخت خانه‌های انبوه، روحیه زندگی در مجتمع‌ها و روحیه درک خانه‌هایی که به صورت انبوه ساخته شده‌اند.

اگر ما از دل و داغ خود همه تصورات کهنه و مرده را بزدائیم و به این سؤال از نقطه نظر بحرانی بنگریم، ما به سلامت وارد سده ماشینی و جمعی می‌شویم، همانگونه که با ابزار و آلات صنعتی امروز خود کردیم.

معماری یا انقلاب

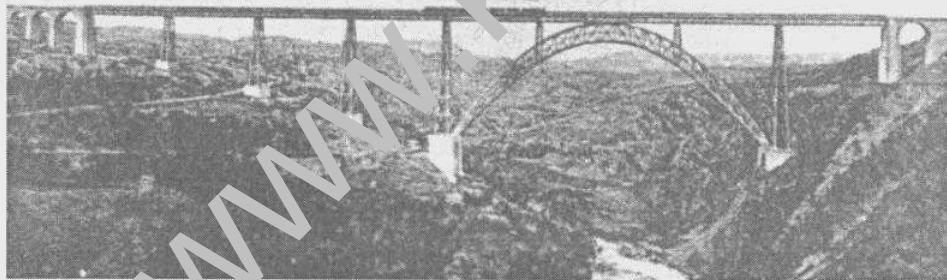
در هر عرصه‌ای از صنعت، مسائلی جدید رخ‌نموده‌اند و البته ابزاری جدید آفریده شده‌اند تا آن مسائل را حل کنند. اگر این حقیقتی جدید بر علیه گذشته است، بنابراین انقلاب رخ داده است.

تولید انبوه در ساخت و ساز قبلاً آغاز شده است. در مواجهه با نیازهای جدید اقتصادی، واحدهای تولید انبوه هم از جزئیات و هم از نظر کلیات شکل گرفته‌اند و البته نتایج فزاینده‌ای در کل و جزء دستگیر ما شده است. اگر این هم تفاوتی با گذشته است، بنابراین یک دگرگونی صورت‌گرفته است یعنی هم از نظر روشی که بکار گرفته شده است و هم از نظر وسعت مقیاس انقلاب شده است.

هنگامی که تاریخ معماری از لابلای اوراق گرد و غبار گرفته زمان بیرون آورده می‌شود، اصلاح ساختمان و ابزار رؤیت می‌گردد اما در پنجاه ساله اخیر فولاد و بتن دستاوردهای جدیدی به همراه داشته‌اند.

این دستاوردها به معنی حجم بیشتر ساختمان و نوعی از معماری است که در آن نمایه‌های کهن زیر و رو شده‌اند. اگر ما به کنکاش در گذشته بپردازیم، خواهیم آموخت که دیگر امروز چیزی از سبک‌ها برای ما باقی نمانده است و اینکه سبکی جدید مربوط به عصر کنونی بوجود آمده است. بنابراین انقلاب شده است.

اذهان ما، آگاهانه و یا ناآگاهانه به این اتفاقات و نیازهای برخاسته از آن خو کرده است. ماشینی شدن جامعه، آن هم در دنده خلاص! بین بوجود آمدن اصلاح و بروز فاجعه در نوسان است. ابتدائی‌ترین غریزه هر انسان زنده آن است که خود را با یک سرپناه مطمئن سازد. امروزه طبقات مختلف جامعه خانه‌ای مطابق نیازهای خود ندارند. فرقی نمی‌کند که آنها کارگر باشند یا روشنفکر. این یک سبک از ساخت و ساز است و البته ریشه همه آن چیزی است که عدم آرامش اجتماعی خوانده می‌شود: معماری یا انقلاب.



پل گارابی

طراح مهندس گوستاو ایفل